

گفته می شود بعد از عملیات مرصاد با فرمان امام خمینی زندانیان سیاسی که بر سر موضع پیشین خود باقی مانده بودند، اعدام شدند، و وسایل و لوازم شخصی آنها به خانواده هایشان بازگردانده شد.

بازخوانی یک پرونده؛



به گزارش اسپادانا در سایت پرسمان دانشجویی وابسته به اداره مشاوره نهاد رهبری در دانشگاه ها در پاسخ به این پرسش که "آیا ازدواج اجباری دختران باکره برای اعدام صحت دارد؟" آمده است: گفته می شود بعد از عملیات مرصاد، با فرمان امام خمینی(ره) زندانیان سیاسی که بر سر موضع پیشین خود باقی مانده بودند، اعدام شدند، و وسایل و لوازم شخصی آنها به خانواده هایشان بازگردانده شد. در این جریان حتی اعدام زنان که بسیار در اسلام محدود است، رخ داده بود و ادعا می شود که نظر به ممنوعیت اعدام دوشیزگان دختران باکره را به عقد در می آوردند و بعد از این که باکرگی آنها عزل شد، اعدامشان می کردند. پاسخ شما به این مسائل چیست؟ پاسخ کوتاه: رابه عنوان جمع بندی از سخنان فوق این اعدامها نه برای راحت شدن از شر زندانیان، بلکه در پی شورش آنها در زندان همزمان با عملیات مرصاد بوده است. افرادی محاکمه می شدند که پیشتر در عملیات تروریستی شرکت داشتند و فقط کسانی اعدام می شدند که بر سر مواضع خویش باقی مانده بودند. ضمن اینکه این عمل پیش از این هم در مورد تروریستها انجام شد و البته بسیاری از آنان نیز بخاطر نداشتن خط مشی پیشین از اعدام نجات یافتند و بعدها آزاد گشتند. یکی از ادعاهای ضدانقلاب این است که از آنجایی که در اسلام اعدام دختران باکره ممنوع است، دختران باکره ای که به اعدام محکوم می شدند را سپاهیان صیغه می کردند و بعد از تجاوز و از بین رفتن باکرگی آنها را اعدام می کردند! گذشته از اینکه اگر مبنای اعدام کنندگان اسلام می بود(که بخاطرش نتوانند دختران باکره را اعدام کنند) بر مبنای همین اسلام نمی توانستند یک دختر را به زور صیغه کنند و باکرگی او را بردارند و روی همین حساب باطل بودن این ادعا ثابت می شود؛ بد نیست بدانید اساس این ادعا از کجا برخاسته است: آیت [منتظری در کتاب خاطرات خود در بخش مربوط به اعدامهای سال ۶۷، از بحثهای بین خود و امام خمینی توضیحاتی می دهد که آشکار می کند که این داستان چگونه ساخته شده است. به طور خلاصه ایشان اشاره می کند که وقتی بحث اعدامها مطرح شد، من اعتراض کردم که در زندانها زنان نیز اعدام می شوند، اعدام زن در اسلام بسیار محدود است و دختران را نیز اعدام نمیکنند، امام نیز گفت خب به آقایان بگویند دخترها را اعدام نکنند، بعد آمدن اینطرف و آنطرف اینطور وانمود کردند که منتظری گفته دخترها را نکنید، اول آنها را صیغه کنید و بعد اعدام کنید. در خارج از کشور هم منافقین این را دست گرفته بودند.(کتاب خاطرات آیت [منتظری، اتحادیه ناشران ایرانی را اروپا]نشر باران، نشر خاوران و نشر نیما]، چاپ دوم ۱۳۷۹، فصل دهم، صفحه ۳۴۴-۳۴۵) پس آشکار است که این شایعه ابتدا در مورد آیت [منتظری ساخته شده بوده است، و در واقع هم ایشان زمانی که قائم مقام رهبری نظام بودند، بسیار منفور بودند و بسیاری از این حرفها در مورد ایشان ساخته می شد. طبیعی است که بعد از تغییر نگرش ایشان و قرار گرفتن ایشان در برابر طیف اصلی نظام، دیگر نمی شد این سخنان را در مورد او بگویند و به جای اینکه بگویند منتظری گفته، گفتند در زندانها روالشان چنین بود!! پاسخ تفصیلی: اعدام زندانیان سیاسی، ممنوعیت اعدام دوشیزگان و عقد آنها همه شایعات ساخته و پرداخته منافقین برای تطهیر جنایات و خیانت های خود به کشور و تخریب وجهه نظام اسلامی می باشد. در تبیین واقعیات مربوطه گفتنی است: پس از تهاجم نیروهای سازمان منافقین در سال ۶۷ با پشتیبانی ارتش عراق به داخل ایران حضرت امام (ره)حکمی را درباره بررسی مجدد پرونده منافقین زندانی که همچنان بر سر موضع خود بودند و صدور محکومیت اعدام برای کسانی که برنامه شورش در زندان، همزمان با برنامه های بیرون سازمان داشتند، صادر کردند. در زمینه دلایل صدور این حکم که از مبانی فقهی و حقوقی مستحکمی برخوردار است به اختصار می توان به وضعیت کلی نیروهای نظامی ایران در جبهه ها، روحیه مردم در داخل کشور به واسطه انعکاس تحولات جبهه ها، تبلیغات وسیع درباره پیشروی های عراق از سوی رادیوهای بیگانه، ورود مستقیم آمریکا به صحنه جنگ با ایران از طریق هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری، پیشروی نیروهای منافقین به داخل خاک ایران و تصرف چند روستا و شهر اسلام آباد غرب، انتقال اخبار مربوط به تحولات جبهه ها و

ورود منافقین به داخل ایران، بروز تحرکات و تنشهایی در زندان با سردمداری عناصر بر سر موضع منافقین، آغاز فعالیت برخی هواداران منافقین در سطح جامعه و ایجاد حرکت هائی برای برپائی آشوب و شورش در سطح شهرها، انتشار پیامهای مستمر سازمان منافقین از طریق رادیوهای متعلق به آنها و ترغیب و تحریک مردم به شورش، اشاره داشت. در چنین اوضاع و احوالی حضرت امام (ره) بر مبنای دیدگاه فقهی خود، از مسئولان مربوطه خواستند تا ضمن بررسی مجدد وضعیت منافقین در زندان، آن دسته از این افراد را که همچنان بر سر موضع تشخیص می دهند، به عنوان نیروهای داخلی یک سازمان محارب که با استفاده از فرصت، در صدد آشوبگری و تحریک دیگران به شورش هستند، اعدام کنند. در حکم حضرت امام (ره) در این باره چنین آمده است: «از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می گویند از روی حيله و نفاق آنهاست و به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده اند، با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری های حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تا کنون، کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند، محارب و محکوم به اعدام می باشند.» همانگونه که ملاحظه می شود حضرت امام (ره) ضمن بیان مبانی فقهی صدور این حکم، صرفاً آن دسته از منافقین زندانی که «بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می کنند» را «محارب و محکوم به اعدام» برشمرد که لازم است حد محارب در خصوص آنها اجرا شود. و تشخیص این موضوع را نیز به رأی اکثریت قاضی شرع، دادستان و نماینده وزارت اطلاعات واگذار می کند، با تأکید بر اینکه «احتیاط در اجماع است.» و منافقین زندانی ای که از عملکرد «سازمان منافقین» برائت جست و توبه می کردند، اعدام نمی شوند. البته بررسی مجدد پرونده منافقین زندانی قبل از این مقطع نیز سابقه داشته و بدون حکم و نظر امام نیز اینکار صورت می گرفته است. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۰ نیز همزمان با شورشهای شهری و ترورهای گسترده منافقین، شورشهای نیز در زندان صورت می گیرد و ۱۲ نفر در این ارتباط تیرباران می شوند. در اینجا مناسب است به توصیه اکید حضرت امام (ره) در آن ایام مبنی بر پرهیز از تندروی در رفتار با زندانیان گروهک های ضد انقلاب اشاره شود. ایشان در سخنرانی خود به مناسبت فاجعه انفجار در حزب جمهوری اسلامی به تاریخ ۹/۴/۱۳۶۰ فرمودند: «من یک کلمه به برادران دادگاه و کسانی که رئیس زندان هستند و اشخاصی که زندانیان هستند می گویم و آن اینکه اینطور نباشد که یک جنایتی واقع شد، اینها آرامش خودشان را از دست بدهند و خدای ناخواسته با زندانیانی که الان هستند، ولو این زندانیان از همین گروه های فاسد باشند، با خشونت غیر انسانی عمل کنند. با آرامش و با احترام عمل کنند. لکن دادگاهها احکام را با دقت بررسی کنند، پرونده ها را بررسی کنند، آنها را بر محکمه ها بنشانند و از شان استفسار کنند. با قاطعیت هر چه باید بکنند، عمل کنند، لکن این طور نباشد که حالا از باب اینکه یک دسته از ما به وسیله همین گروه ها از بین رفته، حالا ما در حبس با اشخاصی که محبوس هستند خدای ناخواسته به خلاف موازین اسلام رفتار کنند و من می دانم نمی کنند، گرچه آنهايي که باید به شما تهمت بزنند، تهمت را می زنند.» اما در سال ۱۳۶۷، وضعیت متفاوتی با سال ۱۳۶۰ وجود داشت؛ در سال ۶۰ سازمان منافقین اگر چه از حمایت های سیاسی و تبلیغاتی بیگانه بهره می برد اما به هر حال یک گروه ضد انقلاب داخلی به شمار می آمد که دست به عملیات تروریستی و انفجاری در داخل می زد و البته با عوامل این عملیات نیز برخورد می شد. ولی در سال ۶۷ این گروه در قالب یک «ارتش متجاوز» ظاهر شد که از پشتیبانی کامل نیروهای نظامی بیگانه برخوردار بود. و با اتکاء به همین پشتیبانی ها توانسته بود راه خود را به داخل خاک ایران باز کند و بخشی از آن را به اشغال خود در آورند. و در کنار آن مسائلی نظیر بروز تحرکات و تنشهایی در زندان با سردمداری عناصر بر سر موضع منافقین، آغاز فعالیت برخی هواداران منافقین در سطح جامعه و ایجاد حرکت هائی برای برپائی آشوب و شورش در سطح شهرها، انتشار پیام های مستمر سازمان منافقین از طریق رادیوهای متعلق به آنها و ترغیب و تحریک مردم به شورش، همه بیانگر موج تازه توطئه های این گروهک می باشد. از سوی دیگر آمریکا نیز با حضور پرنگ نظامی در خلیج فارس و هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافربری و حمله به ناوچه ها و نفت کشتیهای ایرانی عملاً وارد عرصه جنگ با نظام جمهوری اسلامی شده و طبعاً از نیروهای نظامی معارض نیز حمایت به عمل می آورد. در این شرایط حضرت امام (ره) به منظور خنثی کردن توطئه و تحرکی که در حال شکل گیری بود، ضمن سفارشهای لازم به منظور تشخیص صحیح «برسر موضع نفاق بودن» دستور برخورد با عوامل داخلی این توطئه را صادر می فرمایند. (ر.ک. : پاسداشت حقیقت، مسعود رضایی، و عباس سلیمی نمین، تهران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۳۸۱) در ادامه به گوشه هائی از جنایات گروهک تروریستی منافقین اشاره می شود: سازمان تروریستی منافقینی گروهی است که از سال ۶۱ تا ۶۷، ۱۵ هزار بیگانه را در خیابانهای تهران و دیگر شهرها ترور می کردند. منافقین کسانی بودند که در سال ۵۸ و ۵۹ جنگ های تجزیه طلبانه ای را در کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا و دیگر شهرها به راه انداختند و اینها همان کسانی بودند که در ماه رمضان یکی از سالهای اوایل دهه ۶۰ با حمله به خانه یک فرد بسیجی که تنها جرمش حزب الهی بودن و حضور در جبهه های نبرد حق علیه باطل بود، سر سفره افطار، سر فرزندان را با تیغ موکتبری بریدند. یک بار در عروسی فرزند یکی از فتووالهای وابسته به منافقین، تعدادی از جهادگران انقلاب که عموماً از دانشجویان مسلمان و انقلابی بودند را در مقابل عروس و داماد، به جای گوسفند سر بریدند. منافقین ضمن جاسوسی برای صدام در جنگ تحمیلی و نیز برخی دیگر از جنایاتهای ددمنشانه آنها از جمله به گلوله بستن مجروحان در بیمارستانها و نیز به شهادت رساندن ۷۲ تن از بهترین نیروهای انقلاب، از سال ۶۰ و ۶۱ تا آخر جنگ در خیابانها می گشتند و هر دختر و پسر حزب الهی را بدون اینکه حتی بدانند این شخص کیست به مسلسل می بستند و حتی در مغازه هایی که عکس امام (ره) بر روی دیوار آن نصب بود، نارنجک می انداختند. شکنجه هایی که منافقین بر روی نیروهای انقلابی و حزب الهی انجام می دادند، روی ساواک را نیز سفید کرد.

برچسب ها: [اعدام](#) [1]